

ORIGINAL ARTICLE

تأثیر تسامح مذهبی ساسانیان در پیشرفت علمی جندی شاپور

Influence of Sassanid Religious Negligence on Scientific Progress of Jundishapur

Mostafa Nadim¹

1- Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanity, Shiraz University, Shiraz, Iran

Correspondence: Mostafa Nadim; Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanity, Shiraz University, Shiraz, Iran.

mos.nadim@gmail.com

مصطفی ندیم^۱

۱- دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: مصطفی ندیم، دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
mos.nadim@gmail.com

Abstract

The academic center of Jundishapur has been among significant ones in the old East. An important issue in recognizing such a center is studying the factors relative to its academic growth, among which the following can be enumerated: the emigration of Christian scientists, the Sassanid king's attention to the city, etc. The important matter, however, is the consistency of this center in academic issues, which has been stable despite different governments and under varied rulers.

This study attempts to investigate the religious negligence as one of the significant factors in the growth of Jundishapur center. The existence of religious negligence even after the ancient period and the Islamic period led to its growth.

Key words: Jundishapur, Sassanid, Religious Negligence, Khosrov Anoshirvan, Medical

Received: 7 Jul 2016; Accepted: 15 Aug 2016; Online published: 26 Oct 2016

Research on History of Medicine/ 2016 Nov; 5(3): 221-230



خلاصه مقاله

مرکز علمی جندی شاپور از مهمترین مراکز علمی در شرق باستان بوده است. یکی از موضوعات مهم در شناخت بهتر این مرکز علمی توجه به علل و عوامل رشد و توسعه علمی این مرکز است. در منابع موجود از مهاجرت علمای مسیحی به جندی شاپور، توجه شاهان ساسانی به این شهر و مرکز علمی و عوامل دیگر به عنوان علل شکل گیری این مرکز یاد شده است اما نکته مهم استمرار و بقای این مرکز علمی است که حتی با تغییر شاهان و حکومت ها نیز برای چند قرن به حیات علمی خود ادامه داد.

این جستار بر آن است تا به نقش تسامح مذهبی به عنوان یکی از مهمترین عوامل شکوفایی مرکز علمی جندی شاپور پردازد. وجود تسامح مذهبی حتی پس از دوره باستان و در دوره اسلامی نیز موجب شکوفایی این دانشگاه شد.

کلمات کلیدی: پزشکی، تسامح مذهبی، جندی شاپور، خسرو انوشیروان، ساسانیان

مقدمه

در مورد مرکز علمی جندی شاپور یا دانشگاه جندی شاپور مقالات زیادی نوشته شده و از سوی خطیبیان و سخنرانان، سخنرانی های زیادی ارائه شده است. به واقع اهمیت این مرکز در دوره ساسانیان و قرون نخستین اسلامی موجب این توجه خاص شده است.

زمان شکل گیری شهر جندی شاپور به اوایل دوره ساسانی باز می گردد. پس از نبردهای حکومت ساسانی با حکومت روم و شکست رومی ها تعداد زیادی از اسیران رومی به این شهر آورده شده، در آن مستقر شدند. این مساله به رشد این شهر از لحاظ فیزیکی کمک کرد اما آنچه جندی شاپور را به سوی مرکزی علمی سوق داد مهاجرت مسیحیان تحت تعقیب از سوی امپراتوری روم بود. حکومت روم با دین مسیحیت و پیروان آن مخالف بود و همین مخالفت موجب مهاجرت مسیحیان به ایران شد. بیشتر این افراد را دانشمندان و علما تشکیل می دادند.

تا زمانی که دین مسیحیت در روم به رسمیت شناخته شد، مهاجرت مسیحیان به ایران ادامه داشت اما از این پس مسیحیانی که از حکومت روم حمایت می کردند به عنوان دشمنان حکومت ساسانی شناخته می شدند. این مساله در ورود علمای مسیحی به ایران تاثیر گذار اما دانشمندان مسیحی در جندی شاپور همچنان دارای موقعیت ممتازی بودند.

با شکل گیری فرقه جدید نسطوری و مخالفت دین رسمی حاکم در روم این بار تعدادی از پیروان این فرقه وارد ایران شدند که آنها نیز در شکوفایی جندی شاپور نقش داشتند.

پزشکان و استادان حاضر در دانشگاه جندی شاپور را تنها مسیحیان رومی تشکیل نمی داد. وجود هندیان و حتی دانشجویان عرب در این دانشگاه بیانگر دو موضوع مهم است. یکی اینکه این مرکز یک مرکز علمی بین المللی در زمان خود بوده است و دوم اینکه آزادی اندیشه و دین و مذهب در این مرکز به گونه ای بوده که پذیرای پیروان ادیان و مذاهب مختلف بوده است.

این مقاله بیانگر این موضوع مهم است که تسامح دینی در دوره ساسانیان از مهمترین عوامل رشد و توسعه دانشگاه جندی شاپور می باشد.

شهر جندی شاپور در دوره ساسانیان

ساخت شهر جندی شاپور را به دومین پادشاه ساسانی شاپور اول (۲۷۲-۲۴۲ م) نسبت می دهند. در سال ۲۶۰ م در نبرد بین شاپور و والرینوس امپراتور روم، سپاه روم شکست خورده و والرینوس به اسارت ایرانیان درآمد.^۱ به گفته طبری شاپور اول اسرای رومی را در شهر جندی شاپور سکونت داد و در آنجا از مهارت رومی ها برای ساخت سد یا بند قیصر استفاده کرد.^۲

جغرافیدانان عرب در مورد معنای جندی شاپور یا روایات افسانه ای را ذکر می کنند و یا جغرافیای طبیعی شهر را بیان می دارند.

قفطی در اخبار الحکما می گوید که شهر جندی شاپور را شاپور برای دختر قیصر



روم ساخت. زمانی که شاپور دختر قیصر را به زنی گرفت برای او شهری مانند قسطنطنیه ساخت که آن جندی شاپور بود. قفطی روایت افسانه‌ای خود را با این بیان تکمیل می‌کند که این شهر در اصل قریه‌ای بوده متعلق به مردی به نام جندا. این جندا حاضر به فروش روستای خود به شاه نمی‌شود به شرطی که خود نیز در بازسازی آن سهیم باشد و بدین صورت نام شهر جندا و شاپور شد که به مرور ایام به جندی شاپور تبدیل گردید.³ (قفطی، ۱۸۴) این گفته روایتی افسانه گونه است که اعتبار ندارد اما طبری این واژه را شکل عربی و خلاصه شده وه اندیو شاپور می‌داند⁴ به این دلیل که شاپور پس از پیروزی بر والرینوس و دستیابی بر شهر مهم انطاکیه، این شهر را بسیار پسندید و چون به ایران بازگشت دستور داد تا شهری مانند انطاکیه را در ایران بسازند و آن را وه اندیو شاپور یعنی شهر شاپور بهتر از انطاکیه گذارد.

حمزه اصفهانی نیز همین مطلب را آورده است با این توضیح که بنای این شهر به شکل رقعہ شطرنج، هشت خیابان در هشت خیابان است و در قدیم شهرها را به صورت اشیا می ساختند، مانند شهر شوش که به صورت باز است و شهر شوشتر را که به صورت اسب ساخته‌اند.⁵ مقدسی که بیشتر از دیگر جغرافیدانان جزئیات را مورد بررسی قرار می‌دهد پس از بیان ویژگی‌های آن می‌گوید که جندی شاپور را شاپور بن فارس آباد کرده و به نام خود خوانده است و گویند پایتخت شاهان بوده و شکر در آنجا بسیار می‌پزند.⁶ دیگر جغرافیدانان نیز تقریباً همین مطالب را تکرار کرده‌اند چنانکه مستوفی می‌گوید جندی شاپور از اقلیم سوم است، در آن عمارت بسیار است و نیشکر بسیار دارد.⁷ از آخرین اخبار اینکه به گفته لسترنج جغرافیدان معروف معاصر در هشت فرسخی شمال باختری شوشتر سر راه دزفول خرابه‌هایی را که امروز شاه آباد می‌نامند، دیده می‌شود و اینجا موضع شهر جندی شاپور یا جندی شاپور است.⁸

در مجموع بنظر می‌رسد که گفته برخی از منابع که این شهر پیش از شاپور وجود داشته و شاپور آن را بازسازی کرده است صحیح تر است زیرا که در منابع از این شهر با عنوان بیث لاپات یاد شده و پیش از دوره ساسانی اسقف نشین بوده و در دوره ساسانیان به مطران نشین تبدیل شده است.⁹

شهر جندی شاپور تا پایان حکومت ساسانی اهمیت و جایگاه خود را حفظ کرد اما این اهمیت تنها مربوط به جایگاه علمی این شهر نبود. برخی وقایع بیانگر اهمیت سیاسی این شهر نیز هست چنانکه پس از قتل مانی در زمان بهرام اول، جسد مانی را بر یکی از دروازه‌های شهر آویزان کردند و از آن به بعد این دروازه به باب مانی معروف شد. همچنین به گفته مسعودی همه شاهان ساسانی تا هرمز پسر نرسی در شهر جندی شاپور اقامت داشتند.¹⁰ و در زمان پادشاهی شاپور دوم شهر جندی شاپور پایتخت حکومت ساسانی گردید.¹¹

ایران، روم و جندی شاپور

روابط ایران و روم از زمان اشکانیان آغاز شد.¹² برای نخستین بار در سال ۶۶ ق.م. این دو امپراتوری برای تسلط بر منطقه مهم ارمنستان وارد یکسری منازعاتی شدند که برای چند قرن و تا اواخر حکومت ساسانیان ادامه یافت. در این منازعات اشکانیان هرگز داعیه کشور گشایی و تسلط بر سرزمین‌های دیگر را نداشتند و برعکس این رومی‌ها بودند که با داشتن حکومتی میلیتاریستی با هدف کشور گشایی به سوی مرزهای ایران لشکر کشی کردند. در این مورد حتی مورخان غربی نیز به این مساله اذعان دارند.¹³

نبردها و دشمنی روم با ایران به دوره ساسانیان نیز انتقال یافت. در این دوره نیز ارمنستان هسته اصلی منازعات بین ساسانیان و رومی‌ها بود و تا پایان دوره ساسانیان همین نقش را ایفا کرد.¹⁴ اینک به دو دلیل ارمنستان برای ساسانیان اهمیت بیشتری یافته بود. یکی به دلیل موقعیت سوق الجیشی ارمنستان که برای هر دو حکومت نقش ضربه گیر را ایفا می‌کرد، عاملی که در دوره اشکانیان نیز وجود داشت و دوم وجود سلسله پادشاهی وابسته به حکومت اشکانیان که اینک دشمن ساسانیان و بالطبع دوست روم به شمار می‌رفتند.

چنانکه گفته شد در نبرد بین شاپور دومین پادشاه ساسانی با والرینوس امپراتور

- 3- Ghefti, 1970: 184.
- 4- Tabari, 2006: 593.
- 5- Isfahani: 45.
- 6- Maghadasi, 1982: 606.
- 7- Mostowfi, 1983: 110.
- 8- Strange, 1958: 256.
- 9- Yarshater, 1998: 157.
- 10- Masoudi, 1977: 248.
- 11- Mohammadi, 1995: 231.
- 12- Diakonoff, 1972: 77.
- 13- Wolski, 2004: 140.
- 14- Daryaay, 2004: 23.



روم، سپاه روم شکست خورده و والرینوس اسیر شد و به دنبال آن تعداد زیادی از اسیران رومی به ایران انتقال یافتند. در این راستا شاپور، اسیران رومی را به شهر جندی شاپور آورد. از اهداف اصلی شاپور استفاده از سپاهیان رومی برای ساخت بناهای مهمی چون سد و پل بود زیرا که رومی‌ها در ساخت این بناها دارای فن آوری و متخصصان بیشتری بودند.¹⁵ گرچه سد معروف ساسانی در کنار شوشتر توسط همین اسرا ساخته شد اما بزودی با تحولاتی که در روم پیش آمد، روابط ایران و روم غیر از نظامی‌گری وارد عرصه فرهنگی شد و آن زمانی بود که مسیحیت در روم رو به گسترش نهاد و امپراتوران روم همچنان از پیروان و بزرگان عقاید و باورهای گذشته حمایت می‌کردند.

مسیحیان و جندی شاپور

بعثت حضرت عیسی (ع) مصادف با پادشاهی فرهاد پنجم پادشاه اشکانی در ایران بود.¹⁶ از زمان رواج دین مسیحیت در ایران در این دوره اطلاعات دقیقی در دست نیست اما از آنجا که اشکانیان نسبت به وجود ادیان و مذاهب و فعالیت پیروان آنها در قلمروشان تعصب خاصی نداشتند و حتی با تسامح رفتار می‌کردند¹⁷ می‌توان حدس زد که دین مسیحیت به ویژه از طریق ارمنستان وارد ایران شد زیرا که می‌دانیم نخستین شاهزاده ایرانی که دین مسیحیت را به رسمیت شناخت، تیرداد سوم شاهزاده اشکانی حاکم در ارمنستان در سال ۳۰۱ میلادی بود.¹⁸

مقارن با به قدرت رسیدن ساسانیان، مسیحیان مرکز تبلیغی مهمی در شهر الرها داشتند. با شروع نبردهای ایران و روم، شاهان ساسانی نسبت به سکونتگاههای مرزی احساس خطر کرده و تعدادی از آنها را به داخل ایران کوچ دادند و از آنجا که الرها در مرز قرار داشت کوچ ساکنان آن موجب رواج مسیحیت در ایران شد. از سوی دیگر این زمان دین مسیحیت دچار فرقه‌گرایی شده بود و با بی‌مهری و گاه تعصب امپراتوری روم روبرو بود در نتیجه گروههای مختلف مسیحی از طریق شهرهایی چون الرها وارد ایران می‌شدند و حکومت ساسانی نیز مانع ورود و حتی فعالیت آنها نمی‌شد. در اوایل قرن چهارم اسقف شهر تیسفون خواهان ریاست بر تمامی مسیحیان بود اما دیگر اسقف نشین‌ها این سروری را قبول نداشتند و این مساله موجب تفرقه و اختلاف شدید بین مسیحیان شد. با وجود این اختلافات مسیحیان همچنان در کمال آرامش در ایران زندگی می‌کردند و حکومت ساسانی نسبت به آنها هیچ خصومت و دشمنی و تعصبی نداشت.

در قرن چهارم م کنستانتین امپراتور روم، دین مسیحیت را به رسمیت شناخت و از آنجا که در مرزهای ایران همچنان مسیحیان زندگی می‌کردند و طرفدار کنستانتین شده بودند، وضعیت مسیحیان در ایران تغییر کرد. یکی از بزرگان دین مسیحی در این زمان از شاه ایران و حکومت ایرانی به عنوان دشمن خدا یاد کرد¹⁹ و این مساله موجب خشم پادشاه ایرانی شد. شاپور دوم فرمان دستگیری سیمون رهبر مسیحیان نواحی مرزی را صادر کرد. حتی نویسنده شهدای عیسوی که در مواردی شاهان ساسانی را به تعصب و دشمنی نسبت به مسیحیان متهم می‌کند، در این مورد سوء ظن و بدگمانی شاه نسبت به سیمون را درست می‌داند.²⁰

از این زمان به مدت نزدیک به دو قرن رفتار حکومت ساسانی با مسیحیان رفتاری محتاطانه، بدبینانه و در صورت مشاهده هر عمل خلاف مصالح حکومتی با خشم و تنبیه شدید همراه شد. این رفتار با فراز و نشیب نیز همراه بوده و نمی‌توان در همه دوره‌ها و شاهان ساسانی یکسان دانست. از سوی دیگر در بین مسیحیان ایران نیز کمتر زمانی شاهد وحدت و عدم اختلاف هستیم و این اختلافات عقیدتی گاه به منازعه نیز تبدیل می‌شد چنانکه در زمان پادشاهی پیروز (۸۴-۴۵۹) بین دو فرقه نسطوریان و یعقوبیان اختلاف بسیار شدید شد. با مرگ رهبر قدرتمند نسطوریان در سال ۴۵۷ در شهر الرها، فرقه یعقوبیان یا منوفیزیت‌ها غالب شده، به دنبال آن علمای نسطوری از شهر الرها اخراج شدند. برصوما از رهبران اخراجی به شهر نصیبین رفته و مکتب مسیحی نصیبین را تاسیس کرد. با حمایت پنهانی امپراتور از یعقوبیان، هم پیروز پادشاه ایران و هم برصوما رهبر مسیحی با وجود داشتن دشمنی مشترک به یکدیگر نزدیک شدند و از این به بعد شاهد حضور مسیحیان نسطوری در دربار ایران و حتی در شهرهای مختلف هستیم. کار به جایی رسید که با آغاز پادشاهی بلاش، برصوما در دربار ساسانی از چنان منزلتی برخوردار بود که بلاش

- 15- O Leary, 1995: 22.
16- Shipman, 2005: 135.
17- Frye, 1989: 320.
18- Yarshater, 1989: 630.
19- Christensen, 1988: 291.
20- Ibid: 292.



برصوما را به عنوان نماینده خود به قسطنطنیه فرستاد تا جلوس خود بر تخت شاهی را به امپراتور روم اعلام کند.²¹

بزودی مکتب نصیبین به مرکز مهم علمی و دینی تبدیل شد. تعداد شاگردان مدرسه نصیبین را تا ۸۰۰ نفر تخمین زده‌اند. این مدرسه تا اواخر قرن پنجم به حیات معنوی خود ادامه داد.²² در این زمان بر اثر اختلافات دینی مدرسه از هم پاشید و بسیاری از شاگردان مدرسه به شهرهای مختلف ایران کوچ کردند. در مدرسه نصیبین علوم مختلف و از جمله طب تدریس می‌شد.

مدرسه نصیبین مدرسه‌ای مسیحی بود اما اشتباه بزرگیست اگر تصور شود که این مدرسه غیر ایرانی بوده است. بسیاری از شاگردان مسیحی این مدرسه از ایرانیانی بودند که تغییر دین داده بودند غیر از اینکه این مدرسه از حمایت مالی و معنوی حکومت ساسانی برخوردار بود. از جمله شهرهایی که شاگردان نصیبین پس از فروپاشی مدرسه به آنجا کوچ کردند، جندی‌شاپور بود.

آغاز پیشرفت علمی و معنوی جندی‌شاپور از این زمان است. در برخی منابع برای نشان دادن قدمت جایگاه طب در جندی‌شاپور روایاتی را آورده‌اند که بنظر می‌رسد بیشتر جنبه افسانه‌ای داشته باشد از جمله اینکه به گفته قفطی پس از اینکه شاپور دستور ساختن شهر جندی‌شاپور را صادر کرد از مشاغل و اصناف مختلف افرادی را جمع کرده و به این شهر کوچ داد و از جمله این گروه‌ها پزشکان بودند.²³ بهر حال جندی‌شاپور شهر مهم و پر جمعیتی بوده و بالطبع در آنجا پزشکی به کار و زندگی مشغول بودند اما این با تبدیل شدن جندی‌شاپور به مرکز علمی فاصله دارد و حتی گفته بر اوآن بر اینکه تیودوسیوس پزشک مخصوص شاپور دوم در جندی‌شاپور زندگی می‌کرده²⁴ نیز دلیل موقعیت علمی این شهر نیست بلکه بیشتر برخاسته از موقعیت سیاسی و اداری آن است.

اشتباه دیگری که برخی مورخان به دلیل حضور پزشکان مسیحی مرتکب می‌شوند این است که در ایران طب پیشرفتی نداشته و از زمانی که پزشکان رومی و مسیحی وارد ایران شدند، ایرانیان با طب و پزشکی آشنا شدند. نخست اینکه در متون دینی زرتشتی به کرات در مورد طب، گیاهان دارویی و شیوه‌های درمان بحث شده است. در متون اوستا، کلمه "ارور بئشه زو" (Orvaru Baechazou) به معنای گیاه درمانی آمده است.²⁵ به طور خلاصه باید گفت که در مکتب مزدیسنا به رهبری زرتشت شیوه درمان و بهبود از طریق مذهب و روحانیت به مردم آموخته شده اما نکته مهم آن است که در طب زرتشتی غیر از طریقه روحانی، پزشک و اعمال پزشکی از خرافات و موهومات به دور بوده است و شیوه پزشکان مانند پزشکان امروزی بوده است. در زمان هخامنشیان این طب به یونان رفت. به واقع اگر بقراط و طب یونانی را وامدار طب ایرانی بدانیم برخطا نیست.²⁶

آنچه مسلم است اینکه ورود شاگردان مدرسه نصیبین به جندی‌شاپور را باید آغاز پیشرفت علمی این شهر و تبدیل شدن آن به یک مرکز مهم علمی بدانیم اما ادامه توسعه مرکز علمی جندی‌شاپور تنها به دلیل وجود علمای مسیحی نبود. رشد فکری این مرکز علمی موجب جذب علمای دیگر اقوام و ملل شد.

دیگر اقوام و ملل در جندی‌شاپور

اگرچه مسیحیان در تبدیل شهر جندی‌شاپور به عنوان مرکزی علمی نقش مهمی داشتند اما در واقع تنها مسیحیان نبودند که مرکز علمی جندی‌شاپور را محلی امن برای بیان آراء و اندیشه‌های خود می‌دانستند. بلکه از دیگر مناطق دور و نزدیک نیز دانشمندان و پزشکان معروفی وارد جندی‌شاپور شده با مشاهده فضای علمی و آزاد آن در این شهر مستقر شدند.

در بین شاهان ساسانی سه نفر بیش از همه در بالندگی و شکوفایی شهر جندی‌شاپور نقش داشتند. اول از همه شاپور اول، سپس شاپور دوم و آنگاه خسرو انوشیروان که در زمان وی شکوفایی و توسعه مرکز علمی جندی‌شاپور به اوج خود رسید.

در مورد شاپور اول و روایات گوناگون و حتی افسانه‌ای در موضوع تاسیس شهر جندی‌شاپور سخن گفته شد. شاپور دوم نیز به این شهر و جایگاه علمی آن توجه خاصی داشت. رییس پزشکان در زمان شاپور دوم تیودوسیوس یونانی بود. شاپور این پزشک مسیحی را چنان محترم می‌دانست که دستور داد کلیسایی

21- Ibid: 320.

22- Sami, 2014: 110.

23- Ghefti, 1970: 184.

24- Mohammadi, 1995: 232.

25- Oshidari, 1999: 156; Dostkhah, 1982: 323.

26- Najmabadi, 1962: 154.



مخصوص برای او بسازند.²⁷ در واقع بیشترین طیب غیر ایرانی مسیحیان بودند. از معروفترین این افراد سرژیوس سریانی بود²⁸ بزرگترین خدمت سرژیوس به علم پزشکی در ایران ترجمه کتابهای معروف بقراط و جالینوس به زبان سریانی است. بیشتر ترجمه‌های عربی در قرنهای دوم و سوم ه. ق از همین کتابهای سریانی سرژیوس است.

آنچه بیش از همه در رشد و توسعه علوم و به ویژه علم پزشکی در دوره خسرو انوشیروان کمک کرد شخصیت خسرو و علاقه او به کسب و رواج علم بود. بزرگترین خدمت فرهنگی خسرو انوشیروان را بدون شک باید ترجمه آثار گوناگون علمی از زبانهای مختلف به زبان پهلوی دانست آنچه به نهضت ترجمه معروف شده است. نهضت ترجمه دوم در تاریخ و فرهنگ ایران به دوره مامون باز می‌گردد اما جالب است بدانیم که نهضت دوم شدیداً متأثر از نهضت اول است زیرا که بیشترین کتبی که در این زمان ترجمه گردید از زبان پهلوی به زبان عربی بود یعنی در اصل همان کتابهایی که در زمان خسرو انوشیروان و به دستور وی گردآوری و ترجمه شده بود.

در سفر برزویه طیب به هند در زمان انوشیروان، وی تعدادی از کتابهای هندی را با خود به ایران آورد و بنظر می‌رسد که چند پزشک هندی را نیز با خود به ایران آورده باشد. از معروفترین این پزشکان کنکه یا منکه هندی است. وی پس از ورود به ایران و آشنایی با زبان پهلوی تعدادی از کتابهای هندی را به زبان پهلوی ترجمه کرد.²⁹

وجود دانشجویان و اساتید جندی‌شاپور تنها به ایرانیان زرتشتی، مسیحی و یونانی و رومی و سریانی و هندی خلاصه نمی‌شد بلکه در منابع از وجود دو پزشک عرب به نامهای حارث بن کله و نضر بن الحارث با خبر هستیم.³⁰ به گفته جرجی زیدان حارث از پزشکان عصر جاهلیت بود و علم پزشکی را در ایران و در شهر جندی‌شاپور آموخت و در این شهر به طبابت پرداخت و از این راه ثروت زیادی بدست آورد.³¹

تسامح مذهبی ساسانیان و رشد جندی‌شاپور

در برخی از منابع غربی از تعقیب و آزار و اذیت مسیحیان در دوره ساسانیان یاد شده است. منبع اصلی این گفته‌ها کتاب اعمال شهدا است. در این کتاب به قتل تعداد زیادی از مسیحیان اشاره می‌کند. در حالی که بسیاری از مورخان نوشته‌های این کتاب را اغراق آمیز می‌دانند³² با این حال برخی همچنان از بد رفتاری ساسانیان با مسیحیان و پیروان دیگر ادیان یاد می‌کنند و بیش از همه تعصب دینی زرتشتیان در این دوره را دلیل اصلی آن می‌دانند. واقعیت آن است که در مواقعی که دستگاه مذهبی زرتشتی قدرت زیادی می‌گرفت بر اعمال پیروان دیگر ادیان نظارت می‌کرد و گاه رفتار تندی را در پیش می‌گرفت اما متأسفانه این مطلب نیز بزرگنمایی شده است و آن را به تمام طول دوره ساسانیان نسبت داده‌اند و نکته مهمتر آنکه اعمال و رفتار پیروان این ادیان و به عنوان نمونه بد عهدی آنها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بررسی وضعیت مرکز علمی جندی‌شاپور بیانگر دو مساله مهم است. یکی اینکه در دوره ساسانیان آن طور که در برخی منابع از رفتار تند و خشونت آمیز ساسانیان با مسیحیان یاد شده درست نیست و نکته مهمتر آنکه همین تسامح مذهبی موجب رشد و توسعه جندی‌شاپور شده است.

واژه تسامح مذهبی در موضوع تاریخ ایران را اولین بار مرحوم زرین کوب در مورد رفتار کوروش به کار برد. زرین کوب در این باره مطلب جالبی را بیان می‌دارد و آن اینکه که :

تسامح دینی او (کوروش) بدون شک عاقلانه ترین سیاستی بود که در چنان دنیایی به وی اجازه می‌داد تا بدون یک نظم و نسق اداری پیچیده، بزرگترین امپراطوری دیرپای دنیای باستانی را چنان اداره کند که در آن کهنه و نو با هم آشتی داشته باشند، متمدن و نیمه وحشی در کنار هم بیاسایند و جنگ و طغیان به حداقل امکان تقلیل بیابد.³³

- 27- Elgood, 2007: 67.
28- Najmabadi, 1962: 448.
29- Ibid: 461.
30- Mohammadi, 1995: 240.
31- Zaydan, 2013: 413.
32- Christensen, 1988: 292.
33- Zarinkob, 1985: 131.



حکومت ساسانی را باید به نوعی ادامه حکومت هخامنشیان دانست. هر دو حکومت بر پایه سازمان اداری و نهادهای حکومتی اداره می‌شدند و به شدت در صدد ایجاد حکومت مرکزی قدرتمندی بودند. اگرچه وقفه طولانی بین این دو حکومت موجب آشنایی اندک ساسانیان از هخامنشیان می‌شد اما روایات ملی از طریق سینه به سینه به دوره ساسانیان رسیده بود و شاهانی مانند کوروش و داریوش الهام بخش شاهان ساسانی بودند. این گفته بدان معنا نیست که شاپور و بیشتر شاهان ساسانی در اجرای سیاست تسامح مذهبی از شاهان هخامنشی تقلید یا اقتباس کردند بلکه سخن نگارنده موضوع مهمتری است و آن ویژگی ایران و ایرانیست و روحیه مدارا به اقوام و ملل و پیروان ادیان.

مرکز علمی جندی‌شاپور به واقع یکی از بهترین نمونه‌های همین روحیه مدارا در دوره ساسانیان است. اینکه یکی از اعراب بتواند در جندی‌شاپور طبابت کرده و به ثروت زیادی دست یابد، در حالیکه همین اعراب در دوره ساسانیان بارها به ایران حمله کردند، نشانه بارز روحیه مدارا و احترام به عالمان و اندیشمندان هر قوم و قبیله است حتی اگر در تضاد با حاکمیت باشد.

یکی از مورخان غربی به این مساله اشاره می‌کند که مسیحیانی که در کشور ساسانیان می‌زیستند از جانب شاپور اول اذیت و آزاری را متحمل نمی‌شدند در حالی که هموعان ایمانی آنها در امپراتوری روم در حین اخراج دچار زجر و تعقیب بودند.³⁴

وجود علمای ایرانی و غیر ایرانی از ملل مختلف و با باورها و ادیان و مذاهب مختلف و رشد مرکز علمی جندی‌شاپور در اصل به دلیل وجود تسامح مذهبی و روحیه مدارا در نزد حاکمان و مدیران ساسانی بوده است. به گفته سارتن تنها در تحت توجه ساسانیان بود که سرجیوس فیلسوف سریانی، آثار طبی متعددی را از یونانی به سریانی ترجمه کرد و بر اثر این توجه یک مرکز پزشکی در جندی‌شاپور بوجود آمد.³⁵

از این زمان به بعد هر فرد یا گروهی از علما که در موطن خودش مورد بی‌مهری قرار می‌گرفت، شهر جندی‌شاپور را به عنوان مکانی امن و مناسب برای پیشرفت خود در نظر می‌گرفت و همین شد که در طی دو قرن در دوره ساسانیان، جندی‌شاپور به بزرگترین مدرسه علمی آن زمان تبدیل شد.

در سال ۴۸۹ م نسطوریانی که از ادسا اخراج شدند به این شهر آمدند و سی سال بعد در سال ۵۲۹ م زمانی که نوافلاطونیان از آتن اخراج شدند دوباره به این شهر پناه آوردند و از این به بعد مرکز علمی جندی‌شاپور تنها در طب خلاصه نمی‌شد. دوره پادشاهی خسرو انوشیروان را باید دوره اعتلا و اوج رشد و توسعه جندی‌شاپور تلقی کرد. از این زمان به بعد جندی‌شاپور یکی از بزرگترین مراکز تجلی افکار فلسفی و علمی شد، افکار یونانی، یهودی، مسیحی، سریانی، هندی و ایرانی دائماً در محیط جهان وطنی آن مقابله و مبادله می‌شد.³⁶ علاقه خسرو انوشیروان به دانش و حکمت یونانی و هندی با تعصب دینی زرتشتی هیچ سازگاری ندارد، چنانکه انوشیروان تصریح می‌کرد که ممکن است کسانی سخنان خردمندانه بگویند و از اوستا و تعلیمات اوستایی هم اقتباس نکرده باشند.³⁷ این گفته با نوشته برخی مورخان مبنی بر اینکه دوره ساسانی دوره‌ای سراسر همراه با تعصب دینی و تعقیب و آزار پیروان دیگر ادیان است، مغایرت دارد.

البته این روحیه مدارا تنها شامل علمای پناهنده نمی‌شد. به گفته مورخ غربی بسیاری از رومیان که همراه با والرینوس اسیر شده بودند برای ساخت سد در خدمت ایرانیان بودند. ایرانیان نسبت به آن زندانیان با کمال مهربانی رفتار می‌کردند.³⁸

موبدان زرتشتی در حفظ دین خود تعصب خاصی داشتند. این تعصب و عدم تحمل بیش از همه در رفتار با دین مانی و مانویت دیده می‌شود. در زمان فعالیت مانی بزرگترین فرد دینی زرتشتی، موبد موبدان کرتیر بود. کرتیر فردی بسیار قدرت طلب و جاه طلب بود و وجود و حضور هیچ رقیب دینی را تحمل نمی‌کرد. در قدرت وی همین بس که بیشترین نقش برجسته دوره ساسانی به او تعلق دارد. مانی در دوره شاپور اول ظهور کرد، در اوایل دوره حاکمیت ساسانی و از آنجا که دین زرتشتی در قدرت گرفتن حاکمیت ساسانی نقش زیادی داشت، کرتیر و

34- Winter et al, 2007: 14.

35- Sarton, 2004: 405.

36- Ibid.

37- Zarinkob, 1985: 523.

38- O Leary, 1995: 22.



دیگر افراد دستگاه دینی از قدرت گرفتن مانی و منزلت او در نزد شاپور بسیار در هراس بودند. همین مساله موجب شکل گرفتن جامعه روحانیت رسمی زرتشتی توسط کرتیر شد.³⁹ با این حال تا زمانیکه شاپور زنده بود مانی در امان بود. با مرگ شاپور کرتیر قدرت اول مملکت شد تا آنجا که شاه را او تعیین می کرد. در زمان بهرام دوم و به دستور کرتیر مانی به قتل رسید و به دنبال آن کرتیر آزار غیر زرتشتیان را شروع کرد و این شامل یهودیان، مسیحیان، مانویان، مانداییان و بوداییان می شد.⁴⁰ در واقع رفتار مداراجویانه شاپور با به قدرت رسیدن کرتیر به پایان رسید اما با مرگ کرتیر دیگر هرگز فردی از جایگاه موبدان به قدرتمندی وی ظهور نکرد و به دنبال آن همان روحیه مداراجویانه شاپور و ایرانیان حاکم شد. این رفتار کرتیر و آزارهای او مهمترین عامل تلقی رفتار خشونت آمیز روحانیون زرتشتی و سپس حکومت ساسانی شد و برخی مورخان این رفتار ناپسند را به همه دوره ساسانیان نسبت دادند.

در مجموع رفتار با مسیحیان بیش از هر چیز ریشه در اتفاقات سیاسی و روابط ایران و روم داشت، با این حال مسیحیانی که از حکومت روم حمایت نمی کردند و با سیاست های حکومت ساسانی همسو بودند هیچ مشکلی نداشتند و این رفتار ساسانیان کاملاً صحیح و طبیعی بود.

شواهد نشان می دهد که در بیشتر ادوار تاریخ ساسانیان، پیروان ادیان از آزادی برخوردار بودند و این مساله در شهری چون جندی شاپور که شهری اداری و علمی بود، بیشتر تبلور می یافت.

نتیجه گیری

ایرانیان از پیش از ورود آریایی ها با پزشکی آشنا بودند. در روایات ملی ایران آموزش پزشکی را به جمشید نسبت می دهند.⁴¹ در آموزه های دینی زرتشتی از پزشکی، انواع بیماری ها، شیوه های درمان و جایگاه پزشکان سخن به میان آمده است در نتیجه باید گفت که پزشکی در ایران سابقه کهنی دارد. بیشترین اطلاعات ما از وضعیت پزشکی در ایران باستان به دوره ساسانیان باز می گردد. در منابع مهمی چون تاریخ الحکما جمال الدین قفطی از پزشکان و سابقه پزشکی در دوره ساسانیان یاد شده است. در این میان مرکز علمی جندی شاپور یا به قول جورج سارتن متخصص تاریخ علم، دانشگاه جندی شاپور جایگاه خاصی دارد. به گفته جغرافیدانان عرب جندی شاپور هوای بدی داشته است.⁴² در واقع هوای جندی شاپور با شهرهای نصیبین و الرها در شمال بین النهرین قابل مقایسه نیست. این شهرها در محلی خوش آب و هوا قرار داشت اما چگونه است که علمای ساکن در این شهرها آنجا را ترک کرده و زندگی در محلی با آب و هوای بد را ترجیح دادند.

تحقیقات و بررسی ها نشان می دهد که رفتار شاهان ساسانی با این افراد و آزاد گذاردن آنها در بجای آوردن اعمال دینی و مذهبی و در واقع رفتار مدارا آمیز و تسامح مذهبی مهمترین دلیل ورود و اقامت این افراد در شهر جندی شاپور بوده است. همین رفتار مداراجویانه بود که به رشد و توسعه علوم و به ویژه علم پزشکی در مرکز علمی جندی شاپور کمک کرد.

نتیجه سخن آنکه از رابطه تسامح مذهبی و جندی شاپور می توان دو نتیجه مهم تاریخی گرفت. نخست اینکه وجود پزشکانی با ملیت های مختلف بیانگر تسامح مذهبی در دوره ساسانیان است و دوم اینکه پیشرفت مرکز علمی جندی شاپور به دلیل همین تسامح مذهبی است.

References

- Christensen AE. [Iran dar Zamane Sasanian]. Translated by Yasami R. Tehran: Amir Kabir, 1988. [in Persian]
- Daryaiy T. [Shahanshahi Sasanī]. Translated by Saqhebfar M. Tehran: Qhoqhnus, 2004. [in Persian]
- Diakonoff M. [Ashkanian]. Translated by Keshavarz K. Tehran: Pay-am, 1972. [in Persian]

39- Daryaiy, 2004: 24.

40- Ibid: 26.

41- Ferdowsi, 2011: 13.

42- Masoudi, 1977: 110.



- Dostkhah J. [*Avesta*]. Tehran: Morvarid, 1982. [in Persian]
- Elgood S. [*Tarikhe Pezeshki Iran va Sarzaminhayeh Khalafate Sharghi*]. Translated by Forqhani B. Tehran: Amir Kabir, 2007. [in Persian]
- Ferdowsi A. [*Shahname*]. Edited by Hamidiyan S. Tehran: Nashre Qhatre, 2011. [in Persian]
- Frye R. [*Mirase Bastani Iran*]. Translated by Rajabniya M. Tehran: Elmi Farhangi mPublications, 1989. [in Persian]
- Ghefti A. [*Tarikh al-Hokama*]. Collected by Daraei B. Tehran: Tehran University. [in Persian]
- Isfahani H. [*Tarikh Sni Mlouk al-A'rdh wal Anbya'a*]. Beyrot: Manshorat Darolmaktabol hayat. n.d. [in Arabic]
- Maghadasi A. [*Ahsan al-Taghasim fi Marefat al-Aghalim*]. Translated by Monzavi A. Tehran: Nashre Moalefan va Motarjeman, 1982. [in Persian]
- Masoudi A. [*Moravej al-Zahab va Maaden al-Johar*]. Vol 1. Translated by Payande A. Tehran: Bongah Tarjome va Nashre Ketab, 1977. [in Persian]
- Mohammadi Malayeri M. [*Farhange Irani Pish az Eslam va Asare an dar Tamadone Eslami va Adabiyate Arabi*]. Tehran: Toos. 1995 [in Persian]
- Mostowfi H. [*Nazhat al-Gholoob*]. Collected and corrected by le Strange G. Tehran: Donyaye Ketab, 1983. [in Persian]
- Najmabadi M. [*Tarikhe Teb dar Iran*]. Tehran: Chape Honar, 1962. [in Persian]
- O Leary DE. [*Enteghale Olome Yunani be Alame Eslami*]. Translated by Aram A. Tehran: Markaze Nashre Daneshgahi, 1995. [in Persian]
- Oshidari J. [*Daneshname Mazdeyasna*]. Tehran: Nashre Markaz, 1999. [in Persian]
- Sami A. [*Tamadone Sasani*]. Vol 1. Tehran: Samt, 2014. [in Persian]
- Sarton G. [*Moghadame bar Tarikh Elm: az Homer ta Omar Khayam*]. Vol 1. Translated by Sadri Afshar Gh. Tehran: Entesharate Elmi Farhangi, 2004. [in Persian]
- Shipman K. [*Mabani Tarikh Partiyani*]. Translated by Sadeghi H. Tehran: Farzan Rooz, 2005. [in Persian]
- Strange G. [*Joghrafiyaye Tarikhi Sarzaminhayeh Khalafat Sharghi*]. Translated by Erfan M. Tehran: Bongah Tarjome va Nashre Ketab, 1958. [in Persian]
- Tabari M. [*Tarikhe Tabari*]. Translated by Payande A. Tehran: Asatir, 2006. [in Persian]
- Winter E, Dignas B. [*Rom va Iran do Qhodrate Jahani dar Keshakesh va hamzisti*]. Translated by Jahandari K. Tehran: Farzan, 2007. [in Persian]
- Wolski J. [*Shahanshahi Ashkani*]. Translated by Saghebfar M. Tehran: Ghoghnu, 2004. [in Persian]
- Yarshater E. [*Tarikhe Iran az Solokiyani ta fropashi dovlate Sasaniyan*]. Vol. 3: Part 1. Cambridge University. Translated by Anoshe H. Tehran: Amir Kabir, 1989. [in Persian]



Yarshater E. [*Tarikhe Iran az Solokiyān ta fropāshī dovlate Sasāniyān*]. Vol. 3: Part 2. Cambridge University. Translated by Anoshe H. Tehran: Amir Kabir, 1998. [in Persian]

Zarinkob A. [*Tarikhe Mardome Iran: Iran Ghābl az Eslām dar Kesh-makesh ba Ghodrāthā*]. Tehran: Amir Kabir, 1985. [in Persian]

Zaydan J. [*Tarikh Tamadon Eslām*]. Translated by Javaherkalam A. Tehran: Amir Kabir, 2013. [in Persian]

